

اخبار حوادث

پلیس استان البرز فاش کرد جزئیات ربوده شدن پسر کر جی در مسیر آموزشگاه



گروگان ۱۳ ساله که از سوی ۳ آدم‌رباه انگیزه مالی ربوده شده بود، در کمتر از ۱۰ ساعت به آغوش خانواده‌اش بازگشت. سرهنگ محمد نادر بیگی در این باره گفت: ساعت ۲۱ شامگاه پنج شنبه خانواده‌ای سراسیمه و مضطرب به پلیس آگاهی استان البرز مراجعه و از کم شدن پسر ۱۳ ساله خود که در ساعت ۱۷ همان روز از آموزشگاهش در «گرمدره» کرج خارج شده و تا کنون به خانه بازنگشته است، خبر دادند. گفته های پدر این پسر بچه حاکی از آن بود، دقایقی قبل از مراجعه آنها به پلیس آگاهی، افراد ناشناسی با خط تلفن دایی وی تماس گرفته و به او اعلام کرده‌اند که خواهرزاده‌ی وی نزد آنهاست و اگر به خواسته‌های‌شان عمل نکند جنازه پسرشان را تحویل آنها خواهند داد.

بلافاصله تیم زنده‌ای از کارآگاهان تشکیل و با بررسی تمامی فرضیات و بکارگیری تمامی جوانب حادثه، شناسایی آدم‌رباها را در دستور کار خود قرار گرفت. پرونده در حال پیگیری بود که آدم‌رباها از طریق خط تلفن پسر ربوده شده با خواهری تماس گرفته و اعلام کردند که با خانواده آنها کاری ندارند فقط دایی آن‌ها باید خواسته‌ای مالی‌شان را برآورده کند. دایی پسر ۱۳ ساله از هویت آدم‌ربایان اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد و با توجه به این که هیچ‌گونه مشخصاتی از آن‌ها در دست نبود مأموران تحقیقات میدانی را آغاز و تمامی مسیرهای تردد آدم‌رباها از زمان خروج فرد ربوده شده مورد بررسی قرار گرفت. با بررسی‌های تکمیلی مأموران، هویت ۲ نفر از آدم‌رباها شناسایی و در ردزنی‌های اطلاعاتی گسترده، در نهایت مخفیگاه متهمان در شهرستان «ملارد» شناسایی کردند. آدم‌رباها که دیگر شرایط مخفی کردن فرد ربوده شده را نداشتند و به خواسته‌های خود نیز نرسیده بودند، قبل از رسیدن مأموران قصد داشتند گروگان را در حالی که دست و پای وی را بسته بودند رها و متواری شوند که با حضور به موقع مأموران در کمتر از ۱۰ ساعت هر ۳ آدم‌ربا دستگیر و پسر بچه به آغوش خانواده بازگشت. بنابه این گزارش، طبق اظهارات متهمان، در روز حادثه یکی از گروگان‌گیران، فرد ربوده شده را در حالیکه در حال بازگشت از آموزشگاه بود از پشت سر، با دستمال آغشته به مواد بیهوشی، بیهوش کرده و سپس با انتقال وی به شهرستان ملارد در یک ساختمان مخروبه با دست و پای بسته او را زندانی کرده و صبح روز بعد از حادثه به علت این که به خواسته خود نرسیده و احتمال می‌دادند توسط پلیس شناسایی شوند گروگان را به حال خود رها کرده و قصد فرار داشتند که دستگیر شدند.

بهمین مرگبار در دیزین

با توجه به بارش شدید برف پرسنل راهداری در حال برف‌روبی مسیر شمشک به دیزین بودند که با توجه به بهمین شدید یک کارگر جان خود را از دست داد. شامگاه پنج شنبه با توجه به بارش شدید برف پرسنل ز حمتکش راهداری در حال برف‌روبی مسیر شمشک به دیزین بودند که با توجه به بهمین شدید یک کارگر جان خود را از دست داد و یک نیروی دیگر حال وخیمی دارد. این در حالی است این مسیر از سوی راهداری بسته شده بود اما با توجه به تعهد بهره‌بردار مجموعه دیزین این مسیر بدون اطلاع باز شد و در نهایت این اتفاق ناگوار رخ داد.

گم شدن تکسین اورژانس در صحنه حادثه

رئیس مرکز اورژانس خوزستان از مفقود شدن یک تکسین اورژانس در سیل پنج شنبه شهرستان اندیکا خبر داد. روز ۱۳ دی ماه در پی تماس با ستاد عملیات بحران دانشگاه علوم پزشکی اهواز مبنی بر گرفتار شدن چند مسافر در محور اندیکا به شیمبار و نیاز به امدادسانی وجود دارد. متأسفانه به دلیل سیل شدید و گیر افتادن آمبولانس در آب، دو تکسین برای نجات خود از آمبولانس پیاده شدند که یکی از آنها نجات یافت و نفر دوم در آب گیر افتاد که متأسفانه تا این لحظه اطلاعی از وی در دست نیست. تجسس‌ها برای یافتن اثری از این تکسین اورژانس ادامه دارد.

دستگیری کفتار سیاه

کارآگاهان با اطلاعات به دست آمده خیلی زود اقدامات فنی و اطلاعاتی را در دستور کار خود قرار دادند و مخفیگاه امیر در منطقه جوادیه راه آهن ردزنی شد. همین کافی بود تا کارآگاهان با اطلاع از حضور امیر در مخفیگاهش، ساعت ۱۰ شامگاه چهارشنبه ۱۲ دی ماه سال جاری در عملیاتی غافلگیرانه کفتار سیاه را دستگیر کردند و در بررسی از داخل خانه‌اش طلاهای سرقتی و چاقویی که همیشه در صحنه سرقت و آزار و اذیت دختران همراه داشته به دست آمد.

اعترافات شوم

امیر که معروف به امیررو است ابتدا خود را بی‌گناه می‌دانست اما وقتی در برابر مدارک پلیسی و طعمه‌هایش قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد. امیر در اعترافاتش به مأموران گفت: در این مدت ۱۰ کودک و نوجوان ۵الی ۱۳ ساله را هدف آزار و اذیت قرار دادم و در ۲ پرونده دیگر ۲ دختر ۲۵ و ۳۰ ساله را با تهدید تسلیم خود کردم. وی افزود: پس از اجرای نقشه‌ام دست و پاهای طعمه‌هایم را می‌بستم و سپس دست به سرقت طلا، پول و وسایل با ارزش داخل خانه می‌کردم.

پسر جوان در خصوص پدرش گفت: سال‌ها قبل پدرم را کشتند اما نمی‌دانم چطور پدرم کشته شد، چون همیشه در زندان بودم و در زمان آزادی هم سرگرم کارهای خودم بودم. بنابه این گزارش، مرد شیطان صفت به دستور قاضی محمد شهریار ی، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی دیگر جرائم احتمالی‌اش در اختیار مأموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

خانه‌هایی که مرد شیطان صفت نقشه شوم خود را به اجرا گذاشته بود مورد بررسی قرار دادند و تصویر مرد جوان به دست آمد. مأموران با تصاویر به دست آمده از دوربین مداربسته و انجام چهره‌نگاری و مراجعه به آلبوم مجرمان سابقه‌دار خیلی زود تصویر یکی از متهمان سابقه‌دار که امیر نام دارد به دست آمد و طعمه‌های مرد شیطان صفت نیز امیر را به عنوان همان کفتار سیاه معرفی کردند.

شیطان تبهکار

کارآگاهان در ادامه تحقیقات پی‌بردند که امیر از سال ۱۳۸۰ تاکنون بیش از ۱۵ بار به اتهام جرایم مختلف سرقت، مزاحمت نوامیس، شرب خمر، اخلاخل در نظم و آسایش عمومی، تهدید و فحاشی، آزار و اذیت، نگهداری و مصرف شیشه، تخریب اماکن عمومی، ایراد ضرب و جرح با چاقو دستگیر و روانه زندان شده آخرین بار اوایل سال جاری از زندان آزاد شده است.

تسیم پلیسی در گام بعدی پی‌بردند که پدر امیر ۳۰ سال قبل در زمان سرقت در محاصره مأموران قرار می‌گیرد و سعی بر فرار از دست پلیس را داشته که هدف گلوله مرگبار مأموران قرار گرفته است و امیر نیز پس از آزادی اعتیاد شدیدی به مواد مخدر شیشه پیدا کرده است.



کفتار سیاه تهران

کارآگاهان به صورت ویژه تحقیقات پلیسی را برای دستگیری کفتار سیاه در دستور کار خود قرار دادند و در همان تجسس‌های ابتدایی در برابر پرونده‌های مشابه‌ای در مناطق مختلف خانی‌آباد، نازی‌آباد، منیریه، فلاح و مولوی قرار گرفتند.

تجسس‌های پلیسی نشان از آن داشت که مرد شیطان صفت با مراجعه به در خانه‌ها و پس از اطمینان از نبود پدر و مادر طعمه‌هایش به بهانه‌های مختلف وارد خانه‌ها شده و کودکان ۵ تا ۱۳ ساله را هدف آزار و اذیت قرار داده و پس از اجرای نقشه سیاه اقدام به بستن دست و پاهای کودکان کرده و با سرقت از داخل خانه‌ها پا به فرار گذاشته است.

در ادامه ۲ پرونده سیاه به پلیس گزارش شد که در هر دو پرونده، سارق دقیقاً به همان شیوه و شگرد پرونده‌های گذشته یعنی معرفی خود به عنوان دوست صاحب خانه و به بهانه پرداخت بدهی خود اعتماد افراد داخل خانه را جلب کرده اما این بار دو خانم ۲۵ و ۳۰ ساله را مورد آزار و اذیت قرار داده بود و به همان شیوه از محل متواری شده بود.

سرنخ پلیسی

کارآگاهان در گام بعدی به سراغ دوربین‌های مداربسته در نزدیکی

آیفون پرسید که پدرت خانه است؟ و من گفتم که پدر نیست. دختر بچه در ادامه گفت: مرد غریبه در ادامه از حضور مادرم در خانه سوال کرد که من گفتم همراه پدرم برای خرید از خانه خارج شدند و پس از آن شروع به دیدن تلویزیون کردم.

وی افزود: پس از دقایقی بار دیگر زنگ خانه به صدا در آمد و مرد غریبه پشت آیفون بود و اینبار ادعا کرد که برای پدرم پول آورده و خواست تا در را باز کنم تا پول را داخل آسانسور قرار دهم و من پول را بردارم.

این شکارچی تهران ادامه داد: وقتی در خانه را باز کردم جلوی آسانسور در طبقه پنجم منتظر بودم تا پول‌ها را از داخل آسانسور بردارم که ناگهان در آسانسور باز شد و مرد غریبه با چاقویی که در دست داشت مرا به داخل خانه کشاند و با تهدید خواست تا ساکت شوم.

ترسیده بودم و نمی‌دانستم چه کاری باید بکنم که مرد شیطان صفت با تهدید مرا به داخل اتاق کشاند و مرا هدف آزار و اذیت قرار داد و سپس دست و پاهایم را با طناب بست و دست به سرقت طلاها و پول‌های داخل خانه زد و این در حالی بود که من از ترس قدرت چیغ و فریاد نداشتم تا اینکه مرد غریبه از خانه خارج شد و پس از آن پدر و مادرم به خانه بازگشتند و به کمک آمدند.



گروه حوادث: کفتار سیاه پایتخت وقتی زنگ‌ها را می‌زد و می‌دید دختران در خانه تنها هستند دست به شیطانی‌ترین دسیسه‌اش می‌زد. این مرد شوم به دختر بچه‌ها هم رحم نمی‌کرد و سپس از آزار و اذیت آنها و سرقت از خانه‌هایم گریخت.

شکایتی عجیب

روز هفتم دی ماه سال جاری خانواده‌ای با چهره‌ای آشفته همراه دختر هشت ساله‌شان پای در کلانتری ۱۳۰ نازی‌آباد گذاشتند و پرده از تلخ‌ترین حادثه زندگی‌شان برداشتند.

پدر جوان در حالیکه اشک می‌ریخت به مأموران گفت: برای خرید همراه همسرم از خانه خارج شده بودیم و دختر هشت ساله‌ام در خانه تنها بود اما وقتی به خانه بازگشتیم با صحنه عجیبی روبرو

شدیم. وی افزود: دخترم در حالی که دست و پاهایش بسته شده بود داخل اتاق زندانی شده بود که وقتی به کمک دخترمان رفتیم متوجه شدیم مردی با فریبکاری وارد خانه شده و پس از آزار و اذیت دخترمان دست به سرقت طلا و پول‌ها زده است.

گره‌های کودکانه

بدین ترتیب تیمی از مأموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران به دستور قاضی محمد شهریار سرپرست دادسرای امور جنایی تهران برای دستگیری مرد شیطان صفت وارد عمل شدند.

دختر بچه هشت ساله هدف تحقیق قرار گرفت و گفت: پدر و مادرم برای خرید از خانه خارج بودند و من سرگرم دیدن تلویزیون بودم که ناگهان صدای زنگ خانه به صدا در آمد که مرد جوانی پشت

خبر

قاچاقچی انسان محکوم شد

پایان شوم رویای کانادا در خاک یونان

هفته آرزوهایش را نقش بر آب دید و به تهران بازگشت. این جوان ۲۶ ساله وقتی به یکی از دادسراهای تهران رفت از مردی که وی را برای اقامت در کشور دیگری فریب داده بود شکایت کرد.

جزئیات سفر

جواد به باز پرس پرونده گفت: با وجود مخالفت‌های خانواده‌ام تصمیمم را گرفتم و از طریق یکی از دوستانم با سهراب آشنا

شدم. وی برای اینکه مرا از کشور خارج کند و برایم اقامت بگیرد ۲۵ میلیون می‌خواست که با اصرارهای من و دوستم به ۲۰ میلیون راضی شد. کارهای ابتدایی را انجام دادم و قرار شد با هم به آتن برویم، سرانجام پس از ۲ هفته وعده و وعید به یونان رفتیم.

وی برایم در یک مسافر خانه درجه چندم سوئیتی گرفت و گفت باید یک هفته‌ای در آنجا بمانم تا وی بتواند بقیه کارهایم را انجام دهد. این جوان ساده‌لوح در ادامه افزود: سهراب به بهانه تهیه و خرید گذرنامه یکی از یونانی‌ها و تعویض عکس آن با عکس من نیمی از پولم را گرفت؛ یک هفته از این ماجرا نگذشته بود که این مسافر پران همراه ۲ مرد ناشناس که در دستشان تپانچه بود به سوئیتیم آمدند و مرا تهدید کردند که اگر پول‌ها را به آنان ندهم مرا خواهند کشت. خیلی ترسیده بودم و به بهانه تحویل پول به اتناق دیگر رفتم و از ترس جانم از طبقه دوم به پایین پریدم فرار کردم. جواد با عنوان اینکه هر لحظه می‌ترسیدم آنها مرا

هفته آرزوهایش را نقش بر آب دید و به تهران بازگشت. این جوان ۲۶ ساله وقتی به یکی از دادسراهای تهران رفت از مردی که وی را برای اقامت در کشور دیگری فریب داده بود شکایت کرد.

جواد به باز پرس پرونده گفت: با وجود مخالفت‌های خانواده‌ام تصمیمم را گرفتم و از طریق یکی از دوستانم با سهراب آشنا شدم. وی برای اینکه مرا از کشور خارج کند و برایم اقامت بگیرد ۲۵ میلیون می‌خواست که با اصرارهای من و دوستم به ۲۰ میلیون راضی شد. کارهای ابتدایی را انجام دادم و قرار شد با هم به آتن برویم، سرانجام پس از ۲ هفته وعده و وعید به یونان رفتیم.

وی برایم در یک مسافر خانه درجه چندم سوئیتی گرفت و گفت باید یک هفته‌ای در آنجا بمانم تا وی بتواند بقیه کارهایم را انجام دهد. این جوان ساده‌لوح در ادامه افزود: سهراب به بهانه تهیه و خرید گذرنامه یکی از یونانی‌ها و تعویض عکس آن با عکس من نیمی از پولم را گرفت؛ یک هفته از این ماجرا نگذشته بود که این مسافر پران همراه ۲ مرد ناشناس که در دستشان تپانچه بود به سوئیتیم آمدند و مرا تهدید کردند که اگر پول‌ها را به آنان ندهم مرا خواهند کشت. خیلی ترسیده بودم و به بهانه تحویل پول به اتناق دیگر رفتم و از ترس جانم از طبقه دوم به پایین پریدم فرار کردم. جواد با عنوان اینکه هر لحظه می‌ترسیدم آنها مرا

گروه حوادث: قاچاقچیان انسان وقتی جوان ایرانی را به یونان بردند به جای اینکه وی را به رویایش برسانند او را در دام توطئه‌شان گرفتار کردند.

پسر جوان که می‌خواست به کانادا برسد وقتی هدف سرقت توسط قاچاقچیان قرار گرفت دست از پا دراز تر به ایران بازگشت. سر دستمه باند قاچاقچیان انسان پس از محاکمه در دادگاه جزایی عمومی به زندان و رد مال محکوم شد که این رای در دادگاه تجدید نظر تایید و قابل اجرا دانسته شد.

سفر به کانادا

جواد برای اینکه با دو برادرش در کانادا زندگی کند زحمات زیادی کشیده بود او تصمیم داشت به هر قیمتی شده از ایران برود بدون اینکه بداند سرنوشتی تلخ خواهد داشت.

قاچاقچی انسان

چند سال در بازار کار کرده بود و در طول این سال‌ها ۵۰ میلیون تومانی برای رسیدن به رویایش پس انداز کرده و با قرض و گرفتن وام پولش را ۸۰ میلیون کرده بود. پس از چندین هفته دوندگی و رفتن سر قرارهای مرمریز سرانجام موفق شد با مردی به نام «سهراب» که مسافر پران بود بر سر رفتن و گرفتن ویزا و اقامت به توافق برسد.

وی به گفته سهراب باید چند روزی را در کشور یونان می‌ماند تا اینکه بتواند به مقدمه‌چینی‌های این مرد و گرفتن گذرنامه مرد دیگری به کانادا برود ولی پس از یک